

خودش نیست شجاع و جسور است.

۹۵ — شجاعت معنوی یکفضیلت و نتیجه یکمحاکمه منطقی است.

۹۶ — شجاعت معنوی اثر یک عزم و اراده و جلوۀ یک تصمیم

اختیاری است.

۹۷ — تصمیم مرد شجاع این است: چون نباید بترسم نمی خواهم

بترسم و نمی ترسم.

۹۸ — در مقابل تصمیم مرد شجاع هیچ قوه از قوای معلومه

بشری فایق و غالب نیست.

۹۹ — هرگز نباید به‌خستگی و یأس اعتقاد داشت، هرگز

ولی بخصوص وقتی که بار سنگین زندگی یک ملت از یک موی

باریک آویزان می‌باشد.

۱۰۰ — ای «ایران» لایموت، سرت را بلند دار و زنده

و پاینده باش.

جهان‌نمان

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سعادت خانوادگی

اشکالات تأهل در ایران امروزی

حقیقهٔ پاکی روح و علاقهٔ مفرط مدیر محترم مجله به عمران و آبادانی نملکت، رفع نواقص موجوده و سعادت‌مند شدن نسل آتیه از مندرجات آن معلوم و روح‌های پژمرده، خسته و مأیوس را هم مطالعهٔ آن نکان می‌دهد. می‌بینم که بیشتر سعی و اهتمام کوشش و جدیت نویسندگان فاضل ایران‌شهر معطوف به آزادی نسوان، تعلیم و تربیت نسل آتیه، برطرف نمودن خرافات و تزکیهٔ

اخلاق ایرانیست و مخصوصاً برای استحکام ملت ایران میخواهند يك تمدن جدید شرقی را ایجاد کرده باشند و بر خلاف آقایان مدیران جراید ایران که بیست سال است در اطراف کلیات قلم فرسایی نموده و بحث میکنند و هنوز هم نتیجه نگرفته‌اند بیشتر در جزئیات بسط مقال داده و همت می‌کنید بله «خانه از پای بند ویرانست» --- خواجه در بند نقش ایوانست» اصلاحات باید از چیزهای کوچک شروع گردد.

یکی از قضایائی را که زیاده‌تر مورد بحث قرار داده‌اید قضیه زناشویی است. من نمیخواهم که کاملاً در این مبحث بزرگ که اساس سعادت افراد يك مملکت و اصل قومیت يك ملتی را تشکیل میدهد وارد شوم، چه بقدر لزوم محررین فاضل زبردست قضیه را حلاجی نموده کلیات آنرا مورد بحث قرار داده گفتنی‌ها را گفته‌اند لیکن در عین حال يك درد پندرمانی هنوز بر نخورده‌اند و این موضوع مهم را که من میخواهم برای شما توضیح کنم تا امروز کمتر مورد توجه ارباب قلم واقع گردیده. اینک آن موضوع مهم: هرچه فقر اقتصادی اهالی این مملکت بیشتر می‌شود بهمان نسبت قیودات در زندگانی ماها زیاده‌تر میگردد!! البته ابتلاء بزندگی لوکس و تجملات اضافی و عدم موازنه خرج و دخل آحاد افراد ایرانی، علت‌العلل فقر اقتصادی و در اثر قیودات پوچی است که ایرانی‌های امروزه را بدبخت نموده روز بروز هم بر بی‌چارگی آنها میافزاید در ایام پیش که چادر ابریشمی لباس حریر و کفش برقی و سایر اشیاء لوکس تا ایندرجه معمول نشده بود و حدود طبقاتی مردم تا درجه معین بود؛ لباس وزیر، تاجر و عضو اداره مثل امروز یکنواخت نگردیده بود صندلی و نیمکت قالی و قالیچه پستی و مخده هر سه از

لوازمات مبله يك اطاق محسوب نمی‌شد و اشخاص بفرخور حال حدودی را قائل بودند مخارج عروسی و زناشویی هم نسبت بطبقات مشروحه معین و مثل امروز کمرشکن نبود امروز یک نفر آدم متوسط و عضو اداره که چهل تومان حقوق دارد اگر بخیال ازدواج افتد باید اقلاً دو سال هیچ نخورد هیچ نباشد و تمام حقوق خودش را جمع کند تا بتواند زن بگیرد برای اینکه مخارج يك عروسی و انجام توقعات خانواده عروسی کمتر از هزار تومان نمی‌شود و بهمین جهت است که بیشتر جوانها از راه ناچاری ایام جوانی خودشان را به لهر و لمب گذرانده و منتظرند وقتیکه حقوق آنها بصد تومان رسید در صدد ازدواج بر آیند معلوم است موقعی بارزوی خود نائل خواهند شد که از یکطرف در اثر حرکات جوانی مبتلای بمرضهای گوناگون و از طرف دیگر دوره جوانی آنها سبزی گردیده از لذت جوانی محروم شده‌اند. نسل آنها هم قوی برومند و مستعد ترقی نمی‌شود. بعلاوه دخترها هم که مدتی به انتظار شوهر در خانه بسر بردند و همسری برای آنها پیدا نشد مرتکب رفتار سوء گردیده خودشان را بدنام و رفته رفته فامیل آنها هم مقتضح و بدبخت می‌شوند.

یگانه علاجی که بنظر میرسد همان پشت پا زدن به قیودات امروزه و قائل گردیدن بحدود طبقاتی و دوری جستن از زندگانی لوکس، محدود نمودن مخارج عروسی و تسهیل امر ازدواج مطابق قوانین شرع و حتی اجبار اعضای ادارات بازدواج است تا رفته رفته این وضعیت فعلی برطرف گردیده نسل ایرانی زیاد شده رفتار مخالف عفت و عصمت برطرف و طریقه سهل‌تری برای ازدواج معمول گردیده این قیودات خانه خراب کن امروزی متروک شود. بندر عباس — هاتقی عضو وزارت مالیه